

دلتنگی برای محرم‌های کودکی

از سربند، زنجیر زنی و توزیع نذری در ظروف چینی تا گروه‌آباده شیراز و نوحه‌های حسین فخری و ...

همه خاطراتی هستند که از محرم‌های کودکی‌مان داریم، روزهایی که انگار همه چیز خلوص دیگری داشت

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه ۷ مرداد ۱۴۰۲
۱۱ محرم ۱۴۴۵ ۲۹ جولای ۲۰۲۳

شماره ۲۱۲۷۱

۲۴۹۱



صابر | روزنامه‌نگار

پرونده

اینستاگرام را باز می‌کنم. یک اینفلوئنسر کلیبی ساخته درباره محرم که کنار یک ایستگاه صلواتی شربت می‌خورد. برای او انگار محرم هم فرصت خوبی برای گرفتن لایک و کامنت و بالا بردن بازدید پویش است تا بتواند تبلیغ بگیرد و بهتر کاسب شود. هر چند در ظاهر ویدئویی حرفه‌ای ساخته، اما هیچ چیز کلیش به دل نمی‌نشیند، نه حضور خودش با آن شکل و شمایل، نه پیام اخلاقی گل درشتی که کلیش دارد. برخلاف روزهای قدیم که گویی خیلی چیزها جور دیگری به دل می‌نشست. از برنامه‌های تلویزیونی تا مداحی‌ها و ... در این پرونده مروری داریم بر خاطراتی که از محرم‌های روزهای کودکی داریم. از حال و هوایی که وقتی بچه بودیم تجربه می‌کردیم. زمانی که همه چیز رنگ و بوی دیگری داشت. آدم‌هایی که دور هم جمع می‌شدند تا هر آن چه را که داشتند با تمام وجود برای اقامه عزای سیدالشهدا (ع) به عرصه بیاورند. اگر دلتنگ روزهای کودکی و خلوص نیتش هستید، اگر هنوز طنین صدای نوحه‌های فخری، گروه‌آباده شیراز و ... در گوش و دل‌تان می‌پیچد با این پرونده همراه ما باشید.

رنگ و بوی محرم‌های دهه ۶۰ تا اوایل ۸۰

محرم که می‌شود حال و هوای کوچه کوچه شهر فرق می‌کند. محرم که می‌شود همه چیز جور دیگری است. آدم‌ها هم متفاوت می‌شوند. محرم که می‌شود انگار دلت به وسعت یک دریا غم دارد. از روزگاری که کودک بودیم محرم که می‌شد مسجد محل، صف مدرسه، تلویزیون و خلاصه همه چیز رنگ و بویی دیگر می‌گرفت و رنگ و بوی امام حسین (ع).

شهر در تکا پو بود. قیافه‌اش عوض می‌شد. بر نامه زندگی‌مان هم متفاوت می‌شد. از آن روزها خاطره کم نداریم. خاطره‌هایی که شاید امروز دلتنگ‌شان شویم. دلتنگ سرنبدی که در هیئت می‌بستیم. دلتنگ نغمه‌هایی که در مسیر خانه، مدرسه و مسجد مرور می‌کردیم. دلتنگ بچه‌محل‌هایی که هر کس برای نذری‌های ساده چیزی جور می‌کرد، یکی میز

نواهای عاشورایی

بسیاری از مداحی‌های قدیمی خاطره روزهای کودکی و نوجوانی برخی از ماست

آه از آن ساعتی مرحوم کوثری



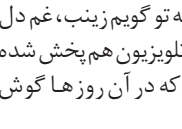
وقتی صحبت از مداحی‌های قدیمی می‌شود ناخودآگاه یاد مرحوم کوثری می‌افتیم و مداحی که در حسینه جماران و در محضر امام (ره) داشت. همان که با صدایی محزون می‌خواند: «آه از آن ساعتی که با تن چاک چاک، نهادی ای تشنه لب صورت خودروی خاک»

کر بلا منتظر ماست حاج صادق آهنگران



حاج صادق آهنگران یادآور روزهای دفاع مقدس بوده و هست، یکی از نواهای ماندگار او این بود: «جاده و اسب مهیاست؛ بیات با برویم ... کر بلا منتظر ماست! بیات با برویم ...»

بنشین نایه تو گویم حاج حسین فخری



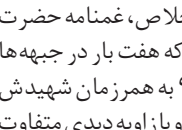
حسین فخری با مداحی «بنشین تا به تو گویم زینب، غم دل با تو بگویم زینب خواهر من» ... که از تلویزیون هم پخش شده بود پای ثابت نوارهای کاستی بود که در آن روزها گوش می‌دادیم.

زینب زینب مودن زاده اردبیلی



بسیار از ما زبان ترکی نمی‌دانستیم اما برای درک سوزی که در مداحی «زینب زینب» بود به دانستن زبان ترکی نیاز نبود، کافی بود اهل دل باشیم.

حسین فاطمه سلام یونس حبیبی



در دهه ۷۰ جانیازی سرافراز و با اخلاص، غمناهم حضرت رقیه (س) را خواند. یونس حبیبی که هفت بار در جبهه‌ها شیمیایی شده بود و ار دیهشت ۹۹ به همزمان شهیدش پیوست در این غمناهم به شکلی تازه و باز آویه دیدی متفاوت

شب دهم، قصه عشقی که مسیرش تغییر کرد

وقتی بحث از خاطره‌های قدیمی از ماه محرم می‌شود، نمی‌شود از کنار سریال اثر گذار «شب دهم» گذشت. آن سال محرم با نوروز تلاقی پیدا کرده بود؛ تعطیلات به خصوص تعطیلی مدارس باعث شده بود همه به خصوص دانش‌آموزان پر شورتر از همیشه در عزاداری‌ها شرکت کنند. در این شرایط سریال «شب دهم» هم پخش شد، داستان یک لات که در روزگار پهلوی اول، دل باخته‌یک شاهزاده فقیری می‌شود. شاهزاده برای ازدواج شرط دشواری می‌گذارد، این که مرد دل باخته، ۱۰ شب تعزیه امام حسین (ع) را در



ای اهل حرم...

بسیاری از نغمه‌های عاشورایی فارغ از زمان هستند، ذکرهایی قدیمی که محدود به یک نسل نیستند و بسیاری با آن‌ها خاطره دارند

مجید حسین زاده | روزنامه‌نگار



مروری بر مداحی‌های قدیمی که با گذشت این همه سال، باز هم به محض شنیدن‌شان، غم و غصه سنگینی بر دل محبان امام حسین (ع) می‌نشیند و اشک چشم‌شان را در

عزای سید و سالار شهیدان جاری می‌کند و خاطره چند نسل محسوب می‌شود:

پر مشام می‌رسد هر لحظه بوی کر بلا

شعر «پر مشام می‌رسد هر لحظه بوی کر بلا، در دلم ترسم بماند آرزوی کر بلا، تشنه آب فراتم ای اجل مهلت بده، تا بگیرم در بغل قبر شهید کر بلا ...» که جزء پایانی و جدایی‌ناپذیر از مراسم عزاداری به خصوص در دهه اول محرم است، سروده کر بلایی محمود بهجت پدر مر حوم آیت ... بهجت است. کر بلایی محمود بهجت، شاعری گمنام بود که به شغل نانوائی اشتغال داشت.

مکن ای صبح طلوع

اشعار دودمه‌اشعاری هستند که از قدیم در هیئت‌ها خوانده می‌شد. همان طور که با حضور در مراسم عزاداری دیده‌اید، در زمان خواندن این اشعار، مردم در هیئت‌ها به دودسته تقسیم می‌شوند و این اشعار را در جواب دسته دیگر با هم می‌خوانند. یکی از معروف‌ترین این دودمه‌ها که در شب عاشورا خوانده می‌شود، این است: «امشب را شه‌دین در حرمش مهمان است، مکن ای صبح طلوع، عصر فردا بدنش زیر شُم اسبان است، مکن ای صبح طلوع». این بنداز اشعار مر حوم کر بلایی محمود بهجت است که از مدت‌ها قبل به عنوان یکی از بهترین اشعار حماسی و عاشورایی در حلقه عزاداران امام حسین (ع)، زینت بخش مجالس سینه‌زنی بوده و به عنوان شعر آیینی ماندگار است.

ای اهل حرم میر و علمدار نیامد

دودمه‌ای دیگری که به عنوان یکی از نمادهای فرهنگ عاشورا در ایران مطرح شده و اصلاً انگار که عزاداری شب تاسوعا را به این دودمه گره زده باشند، این است: «ای اهل حرم میر و علمدار نیامد، علمدار نیامد، علمدار نیامد؛ سقای حرم سید و سالار نیامد، علمدار نیامد، علمدار نیامد».

جوانان بنی‌هاشم بیایید...

مداحی قدیمی «جوانان بنی‌هاشم بیایید» یکی از ماندگارترین نوحه‌هایی است که ویژه شهادت حضرت علی (کبر) (س) سروده شده است. مداحان مختلفی این نوحه قدیمی را که شاعر آن مشخص نیست، طی سال‌های گذشته خوانده‌اند که شاید یکی از قدیمی‌ترین آن مر یوط به زنده‌آباد «احمد معظم» باشد. معروف‌ترین بخش این نوحه ماندگار عبارت است از: «جوانان بنی‌هاشم بیایید، علی را بر در خیمه رسانید، خداداند که من طاقت ندارم، علی را بر در خیمه رسانم».

به خیمه قحط آب است

یکی از معروف‌ترین دودمه‌ها در شب هفتم محرم که به نام حضرت علی اصغر (ع)، طفل شش ماهه امام حسین (ع) نام گذاری شده، قطعه «به خیمه قحط آب است ...» است. در این دودمه معروف، دسته اول عزاداران با سینه‌زنی این اشعار را می‌خوانند: «به خیمه قحط آب است، همه دل‌ها کباب است، علی اصغر به دامن رباب است» و دسته دیگر می‌گویند: «عطش بالا گرفته، دل سقا گرفته، که لب‌هاتش به یک جرعه آب است».

حسین میاه کوفه...

یکی از نوحه‌های مشهور عزاداران حسینی که جزو قدیمی‌ترین آن‌هاست و بیشتر در روزهای اول محرم خوانده می‌شود، «حسین میاه کوفه» است. شاعر این نوحه مشخص نیست، اما بسیاری آن را به حاج اکبر ناظم ارتباط می‌دهند. این نوحه در هیئت‌ها هم به صورت زمینه و هم به صورت دودمه خوانده می‌شود و سال‌هاست با آن عزاداران حسینی اشک ریخته و سینه زده‌اند. متن این دودمه عزاداری خوانده می‌شود: «حسین میاه کوفه، کوفه وفاندر ده کوفی بی‌مروت، شرم و حیانه دارد».

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

بی‌شک معروف‌ترین و ماندگارترین نظم عاشورایی را باید تر کیب بند محتشم کاشانی با مطلع «باز این چه شورش است که در خلق عالم است، باز این چه نوحه و چه عز او چه ماتم است» دانست. البته این اشعار علاوه بر این که در مراسم عزاداری خوانده می‌شود، روی بسیاری از کتیبه‌های محرمی و پرده‌های سیاه برای عزای امام حسین (ع) هم نوشته شده است.

گروه‌آباده شیراز و نذری بدون ظرف یک بار مصرف

دهه ۶۰ تلویزیون فقط دو شبکه داشت که برنامه‌های همان دو شبکه هم محدودیت زمانی داشت. کلاً روزی یک ساعت از هر شبکه برنامه مخصوص کودکان پخش می‌شد. از گوشه و ... هم که خبری نبود و تمام این‌ها فرصت لذت بردن بیشتر از زندگی اجتماعی، حضور در فعالیت‌های فرهنگی و ... را فراهم می‌کرد.

پویانمایی که متحرک نبود

برنامه‌ای در ایام محرم در برنامه‌های کودک و نوجوان پخش می‌شد که هر قسمتش به معرفی یکی از شهدای کر بلا اختصاص داشت. یک نقاشی می‌دیدیم و روی آن دیالوگ‌هایی گفته می‌شد. البته فقط برنامه‌های کودک این‌طور نبود. سریالی که در اصل چیزی شبیه یک تله‌تئاتر بود هم ساخته شده بود که مخاطب بزرگ سال داشت، اما لوکیشن آن محدود بود. در بیشتر دقایق، دو شخصیت با هم گفت و گومی‌کردند و حوادثی را شرح می‌دادند که پیش‌روی‌شان رخ می‌داد و بر اساس آن می‌فهمیدیم که چه اتفاقی می‌افتد.

گروه‌آباده شیراز گروه دوتک خوان داشت، اولی سرود، اباریتمی آرام و در گام‌های بالاتر می‌خواند. تک‌خوان بعدی با ریتم سریع‌تری می‌خواند و بقیه با خواندنش سینه می‌زدند. کیفیت خواندن تک‌خوان‌ها و سینه‌زنی بسیار هماهنگ و هم‌سراپی گروه مشهور بود. انگار هنوز صدای تک‌خوان در گوش‌مان است که با لحنی محزون می‌خواند: این جامه سیاه فلک در عزای کیست؟ وین جیب چاک گشته صبح در ماتم کیست؟ یا حسین! یا حسین! یا حسین! یا حسین! ... اعضای این گروه چند وقت قبل دور هم جمع شدند و یکی از سرودها را با زخاوانی کردند. یکی از آن‌ها دکتر شده و رئیس بیمارستان است. تلاش ما تا آخرین لحظه تهیه این پرونده، برای گفت‌وگو با ایشان بی‌نتیجه ماند.



نذری‌هایی متفاوت از امروز آن سال‌ها وقتی برای عزاداری و زنجیر زنی به همراه دسته‌های عزاداری بیرون می‌رفتیم هر نوع نذری ممکن بود، دریافت کنیم؛ از ساندویچ نان و پنیر و سبزی تا نخود و کشمش. شربت‌هایی که در لیوان‌های پلاستیکی قرمز رنگ بر می‌شد چای و ... جای آن نذری‌ها را امروز کیک بسته‌بندی و غذا داخل ظرف‌های یک بار مصرف گرفته. بعضی وقت‌ها هم همسایه‌ها برای نذری می‌بردند، آش رشته، شله زرد، دیگچه و حلوا. خلاصه تکا پوپی در محل برپا بود تا ظرف‌ها را مدام بشویم و پس بدیم تا بتوانند برای بقیه هم نذری ببرند. وجه اشتراک نذری‌های همسایه‌ها تزئینات‌شان بود؛ با نعنای داغ روی آش رشته، با دارچین و ... روی شله زرد، با سیاه‌دانه و خلال بادام و پسته روی دیگچه. ظرف‌ها هم ملایم و چینی بود که داخل یک سینی بزرگ می‌چیدند و به خانه همسایه‌ها می‌بردند. نذری‌ها بیشتر در حیاط خانه آماده می‌شد و همسایه‌ها در تهیه آن کمک می‌کردند.

تکیه‌ها و حسینیه‌ها در دهه ۶۰ تکیه‌های قدیمی زیادی بود که نسل به نسل چراغش روشن مانده و در آن اقامه عز شده است. در برخی تکیه‌ها مراسم تعزیه خوانی برگزار می‌شد. حتی کتیبه‌هایی بود که سال‌ها از تکیه تکان نخورده بودند. تکیه‌ها در طول سال مرکز برنامه‌های مختلفی بودند و محرم که می‌شد در آن‌ها غوغایی به پا بود. حین



روحه‌ها جذاب‌ترین کار برای بچه‌ها این بود که به آن‌ها اجازه داده شود یا مسئول جفت کردن کفش‌ها باشند یا مسئول اسپندی که دم در دود می‌شد یا همراه یک بچه بزرگ‌تر که جای برای مستمعان می‌برد یا کاسه بزرگی از قند برد و قند تعارف کند.